

آیا میدانید؟

(۱) یک مورچه خوار ۶ فوت طول دارد، در حالیکه پهنای دهان او تنها یک اینچ است.

(۲) کور کودیل ها قویترین آرواره های شناخته شده را برای گاز گرفتن دارند. هر بار که این حیوان آرواره هاش را محکم به هم می فشارد، نیرویی حدود ۲/۱۲۵ پوند وارد می کند. این نیرو تقریباً برابر با نیرویی است که یک ماشین با وزن متوسط از بلندی روی کسی بیفتد.

(۳) خرس ها ۴۲ دندان دارند.

(۴) پروانه ۱۲۰۰ چشم دارد.

(۵) بر مبنای آزمایشات انجام شده در موسسه ی مشکلات حیوانات در واشنگتن، گربه ها و سگ ها مانند انسان ها می توانند راست دست یا چپ دست باشند، یعنی از پنجه ی چپ یا راست خود استفاده کنند.

(۶) یک گربه ۳۲ عضله در هر گوش خود دارد و جالب آنکه گربه ها بیشتر تمایل به تلویزیون نگاه کردن تا سگ ها، زیرا حس بینایی آنها قویتر است.

(۷) ۶۰ گاو قادر هستند در عرض کمتر از یک روز یک تن شیر تولید کنند.

آه از دست خانمها!!!

هاگه تیپ بز نیم بریم سر کار

میگن ببینم با کی قرار داری؟

هاگه لباسهای معمولی بپوشیم

میگن تو اصلاً "سلیقه نداری

هاگه زیاد بگیرم دوستت دارم

میگن باز چه نقشه ای تو سرته

هاگه نگیم دوستت دارم

میگن پای کسه دیگه ای وسطه

اگه زياد بهشون زنگ بزني

ميگن به من اعتماد نداري

اگه زنگ نزني

ميگن انگار سرت خيلي شلوغه

اگه تو خونه زياد بخندي

ميگن ديونه شدي

اگه كم بخندي

ميگن بخت النحس

اگه شام بخواهيم

ميگن فقط فكر شكمشه

اگه شام نخواهيم

ميگن ذليل مرده شام با كي كوفت كردي

خانم ها مثل راديو هستند :

هر چي مي خواهند مي گويند ولي هر چه بگويي نمي شنوند.

خانم ها مثل شبكه اينترنت هستند :

از هر موضوعي يك فايل اطلاعاتي دارند.

خانم هامثل چسب دوقلو هستند :

اگر دستشان با گوشي تلفن مخلوط شد, ديگر بايد سيم را بريد.

خانم ها مثل موتور گازي هستند :

پر سر و صدا , كم سرعت , كم طاقت

خانم ها مثل رعد و برق هستند :

اول برق چشمهاشون مي رسه , بعد رعد صداشون.

خانم ها مثل لیمو شیرین هستند :

اول شیرین و بعد تلخ می شوند.

خانم ها مثل موبایل هستند :

هر وقت کاری مهم پیش می آید در دسترس نیستند.

خانم ها مثل گچ هستند :

اگر چند دقیقه مدارا کنید آنچنان سخت می شوند که هیچ شکلی نمی گیرند.

خانم ها مثل کنتور برق هستند :

هر از چند سالی یکبار سن آنها صفر می شود.

خانم مثل فلزیاب هستند :

هرگاه از نزدیکی طلافروشی رد می شوند عکس العمل نشان می دهند.

اندیشه های بزرگ

*لیخت برگ

خطرناکترین دروغ ها حقیقت هایی هستند که کمی تحریف شده اند

*آبراهام لینکلن

اگر می خواهی شخصیت کسی را بشناسی به او قدرت بده

*آبراهام لینکلن

مثل اینکه خداوند انسانهای نادان را خیلی دوست دارد چون عده ی بیشماری از آنان را آفریده است

*امیل

پیشرفت یعنی هزار بار پیشروی ۹۹۹بار عقب نشینی درروزگاری خطرناک زندگی می کنیم انسان پیش ازآنکه بر خود مسلط شود

فرمانروای طبیعت شده است

*آلبرت شوایتزر

هرگاه پشت به روشنایی بایستی سایه ی خودراخواهی دید

*جبران خلیل

هرگاه دونفر باهم مشغول جروب‌بحث هستند مطمئن باشید آنکه عاقل تر است مقصرت‌تر است

دانایی سیاه!

هیچ کس نمی‌تواند به باطن سبز شبدر کوچکی در مزرعه‌ی جهان پی‌برد وراز هزار ساله‌ی روییدن زنبقی را بر بازوان

زمین کشف کندبر دانایی سیاه جادوگر غرور خود سرپوش نورانی تواضعی بگذاریم!.....

آیا می‌توان به این آسانیا ز صخره‌های خون‌آلود جهان بزرگی که در تنه‌ی سرخ یک شقایق وحشی است بالا رفت و انجماد

دریاچه‌ی واژه‌ها را در یخبندان عظیم تکلم دانش دید و بر بی‌حاصلی اندیشه‌ها و قحطی تاریخی جمجمه‌های بشری انگشت

افعی افسوسی بر لب تحیری نگزید؟؟؟

هیچ وقت به دنبال محبت نگرد بلکه خودت محبت را بیافرین

کسی را برای دوست داشتن انتخاب کن که قلب بزرگی داشته باشه

تا مجبور نشی برای اینکه در قلبش جا بگیری خودت رو کوچک کنی

هیچ وقت دل به کسی نبند

چون این دنیا اینقدر کوچیکه که توش دو تا دل کنار هم جا نمیشه

ولی اگه دل بستی

هیچوقت ازش جدا نشو

چون این دنیا اینقدر بزرگه که دیگه پیداش نمی‌کنی

مراقب افکار خود باشید زیرا به گفتار شما تبدیل می‌شوند .

مراقب گفتار خود باشید زیرا به رفتار شما تبدیل می‌شوند .

مراقب رفتار خود باشید زیرا به عادات شما تبدیل می‌شوند .

مراقب عادات خود باشید زیرا به شخصیت شما تبدیل می‌شوند

اندیشه و اعتدال

چند جمله از بزرگان جهان درباره اندیشه و اعتدال

- ۱- اندیشه مرد آینه ای است که خوب و بد اعمال او را می نمایاند. (امام علی ع)
- ۲- هنگامی که همه یکسان فکر می کنند دیگر کسی بیشتر نمی اندیشد. (والتر لیپمن)
- ۳- دو کلمه کوچک «آری» و «نه» که تلفظشان آسان می نماید کلماتی هستند که برای ادای آنها اندیشه و مطالعه فراوان لازم است. (پتیا گور)
- ۴- به زبانت اجازه مده که قبل از اندیشه ات به راه بیفتد. (شیلون)
- ۵- اندیشه کردن اینکه چه گویم، به از پشیمانی خوردن که چرا گفتم. (سعدی شیرازی)
- ۶- اعتدال و میانه روی انسان را در وصول به مرحله کمال نزدیک می کند. (ارسطو)
- ۷- آنکه بیش از اندازه محتاط است بسیار کم کار انجام می دهد. (فردریک شیلر)
- ۸- انسان می تواند دو دقیقه بدون هوا، دو هفته بدون نوشیدن آب و سه هفته بدون غذا و یک عمر بدون پول زندگی کند ولی نمی تواند یک لحظه بدون اندیشه زندگی نماید. (بنیامین فرانکلین)
- ۹- مرد بزرگ از سه چیز پرهیز می کند: شهوت در جوانی، ستیزه جویی در ابتدای کهولت و جاه طلبی در پیری. (کنفوسیوس)
- ۱۰- نه طوطی باش که گفته دیگران را تکرار کنی و نه بلبل باش که گفته خود را به هدر دهی.

- ۱- جهان مانند مار است که دست کشیدن بر آن نرم و پسندیده است و زهر آن کشنده. (امام علی ع)
- ۲- جهان مانند آینه است، آینه همیشه انعکاس صورت خود انسان را نشان می دهد. (مهاتما گاندی)
- ۳- به شخصی که به هیچ کس اعتماد ندارد اطمینان نداشته باشید. (کریستوفر مارلو)
- ۴- اتلاف وقت خودکشی واقعی است. (یونگ)
- ۵- مقیاس ارزش مرد اهمیتی است که به وقت خود می دهد. (رالف والدو)

- ۶- آنکه امروز را ازدست می دهد فردا را نخواهد یافت، خوشبختی آینده دراستفاده از زمان حال است. (شانینگ)
- ۷- اعتراف به نادانی از چیزی که نمیدانم، مرا شرمگین نمی سازد. (سیسرون)
- ۸- عجیب است ولی حقیقت دارد، حقیقت همیشه عجیب تر از تخیل است. (لرد بایرون)
- ۹- تنها دو تن از مصاحبت یکدیگر لذت می برند، مردی که سخن جز راست نگوید و آنکس که جز راست گوش فرا ندهد.
- (ادوارد مور)
- ۱۰- فحشش دلیل آن کسسانی است که حـق ندارند. (ژان ژاک روسو)
- ۱۱- یا چنان نمای که هستی یا چنان باش که می نمایی. (بایزید بسطامی)
- ۱۲- حقیقت چون روغن بادام است همیشه به خورد دیگران می دهیم بدون اینکه خود قطره ای بخوریم. (مارک تواین)

خوان رامون خیمنس

— ما باید همه چیزهای اطرافمان را حس کنیم و گرنه جهان معنی خود را از دست می دهد.

— احساس اهمیت کردن انسان را سنگین و بی دست و پا و خودپسند می سازد. برای اهل معرفت بودن باید سبکبار و روان بود.

— کار آمد ترین طریق زیستن زندگی کردن در مقام یک جنگاور است. پیش از آنکه تصمیمی بگیری نگران باش و بیندیش. اما همینکه تصمیم گرفتی فارغ از هر فکر و نگرانی قدم در راه نه زیرا هنوز هزاران تصمیم دیگر وجود دارد که در پیش رو خواهی داشت. این است راه و روش یک جنگاور. جنگاور زمانی به مرگ خود می اندیشد که اوضاع روشن نباشد. تصور مرگ تنها چیزی است که ————— روح ————— اعتدال ————— می بخشد.

— وقتی کسی را دوست داشتی باید ثابت قدم باشی، به حدی که دوباره زنده کردن انسان را ممکن بپنداری.

— می توان ثابت قدم بود و سخت ثابت قدم بود حتی با علم به اینکه آنچه می کنیم بیهوده است. اما نخست باید بدانیم که کارمان بیهوده است و در همان حال چنان به دنبالش باشیم که گوئی نمی دانستیم. و این جنون اختیاری سالک است.

— انسان باید راه خود را به کمک دل انتخاب کند تا شادمان ترین و سرزنده ترین باشد. ای بسا که چنین کسی بتواند همیشه بخند.

— تقدیر ما انسانها، بد یا خوب، آموختن است. من آموخته ام که بینم و به تو می گویم که هیچ چیز در واقع مهم نیست. اکنون

نوبت توست: شاید روزی ببینی و آنگاه در خواهی یافت که چیزی مهم است یا مهم نیست. برای من هیچ چیز مهم نیست، اما چه بسا که برای تو همه چیز مهم باشد. اهل معرفت با عمل زندگی می کند، نه با فکر کردن درباره عمل، و نه با فکر کردن درباره چیزی که پس از انجام دادن عمل به آن فکر خواهد کرد. اهل معرفت راهی را به هدایت دل برمی گزیند و آن را دنبال می کند. و آنگاه نگاه می کند و شاد می شود و می خندد و سپس می بیند و می داند. او می داند که خیلی زود زندگیش یکسره به سر خواهد آمد. او می داند که چون هر کس دیگر راه به جایی نخواهد برد چون می بیند پس میداند که هیچ چیز مهمتر از هیچ چیز نیست. به بیان دیگر، اهل معرفت فخر ندارد، مقام ندارد، خانواده ندارد، نام ندارد، وطن ندارد، و آنچه دارد تنها زندگی است که باید آن را گذراند. و تحت این شرایط علقه او با اطرافیانش همان جنون اختیاری است، و بدین گونه است که اهل معرفت نیز جد و جهد می کند، عرق می ریزد، نفس نفس میزند، و اگر کسی به او نگاه کند درست مثل مردم عادی است، جز آنکه جنون زندگیش را فراچنگ خود دارد. اهل معرفت، با توجه به اینکه هیچ چیز مهمتر از چیز دیگر نیست، به هر کاری تن درمی دهد، و آن را چنان انجام می دهد که گوئی برایش مهم است. جنون اختیاری او وادارش می سازد که بگوید آنچه می کند مهم است و چنان به کارش وا میدارد که انگار واقعاً هم مهم است. ولی با این حال او خود می داند که مهم نیست. بنابراین، زمانی که کار را به پایان برد در آرامش خلوت می کند و کارش چه خوب باشد و چه بد و چه نتیجه بخش باشد و چه بی نتیجه، به هیچ رو برایش اهمیت ندارد. از سوی دیگر بسا که اهل معرفت چنین اختیار کند که کاملاً کاهل بماند و هرگز دست به کاری نزند و چنان رفتاری داشته باشد که گوئی کاهل بودن برایش اهمیت دارد. او در این کار نیز بحق صادق خواهد بود، چرا که این نیز همان جنون اختیاری اوست. تو در باره اعمال خودت فکر میکنی، پس باید هم باور کنی که این اعمال همانقدر اهمیت دارند که تو می اندیشی، در حالی که واقعیت آن است که هیچیک از کارهایی که انسان می کند مهم نیست، پس من چگونه به زندگی ادامه دهم؟ بهتر آن خواهد بود که بمیرم. این است آنچه تو می گوئی و باور داری، زیرا تو در باره زندگی فکر می کنی، همان گونه که اکنون به این می اندیشی که دیدن چگونه چیزی است. تو از من میخواهی که این را برایت توضیح دهم تا بتوانی به فکر کردن در این باره پردازی، درست به همان طریق که در باره هر چیز دیگر فکر می کنی. اما، اندیشیدن به هیچ وجه مطرح نیست. و از این روست که نمی توانم برایت بگویم که دیدن چگونه چیزی است. جنون اختیاری خیلی شبیه به دیدن است. چیزی است که نمی توانی در باره اش فکر کنی.

– تقدیر ما در مقام انسان آموختن است و انسان همانطور به سوی معرفت می رود که به جنگ می رود. انسان با ترس و احترام

به سوی معرفت یا جنگ می‌رود ولی آگاه از اینکه به جنگ می‌رود و همراه به اعتماد مطلق به خویشتن. به خودت اعتماد کن نه به _____ من.

- در زندگی اهل معرفت تهی بودن وجود ندارد. همه چیز پر و سرشار است و همه چیز یکسان. برای اهل معرفت شدن باید جنگاور بود و نه کودکی نالان. انسان باید بدون تسلیم شدن، بدون شکایت، و بدون عقب نشینی تا آنجا بستیزد که ببیند تنها به _____ اینک به بداند که _____ هیچ چیز مهم نیست.

- اهل معرفت هم دوست میدارد. همین و بس. او هر چه یا هر کس را که بخواهد دوست میدارد، ولی از جنون اختیاری خود برای بی توجه بودن به این علاقه بهره میبرد. درست عکس آنچه تو اکنون میکنی. دیگران را دوست داشتن یا دوست داشته شدن از سوی دیگران همه آن چیزی نیست که در مقام یک انسان می توان کرد. جنون اختیاری در اعمالی کاربرد دارد که در یک جمع انسانی انجام میدهیم و از این رو چنین می‌گوییم که می توانم جمع انسانی را ببینم.

- وقتی سالک برای دیدن می کوشد، برای دست یافتن به قدرت می کوشد. اعمال سالک را نباید شوخی گرفت چرا که سالک در هر _____ راه به _____ مَرگ بازی میکند.

- مثل یک جنگاور زندگی کن. پیش از این به تو گفته ام که جنگاور مسئولیت اعمالش را به عهده می گیرد، حتی پیش پا افتاده ترین اعمالش را.

- شکست خوردن شرط لازم زندگی است. انسانها یا غالبند یا مغلوب و بسته به این دو حالت یا ستمگرند یا ستم بر. تا زمانی که انسان نبیند این دو حالت شایع و جاری است. دیدن اما پندار پیروزی، شکست، یا رنج را نابود می کند.

- باید با شکیبائی منتظر باشی و بدانی که منتظری و بدانی که برای چه منتظری. این راه و رسم جنگاوران است.

- آنچه ما را شوربخت می کند خواستن است. پس اگر بیاموزیم که خواسته های خود را به هیچ کاهش دهیم هر اندک چیزی که به _____ دست آریم نعمتی راسخ ترین است.

- تنها جنگاور است که می تواند بماند. جنگاور می داند که در انتظار است و می داند که در انتظار چیست. و مادام که انتظار می کشد هیچ نمی خواهد و از این رو اندک چیزی که به دست آورد بیش از آن است که بتوان خورد. اگر نیاز به خوردن داشته باشد راهی خواهد یافت، چرا که گرسنه نیست اگر چیزی تنش را بیازارد راه چاره ای برای آن پیدا خواهد کرد چرا که درد نمی کشد. گرسنه بودن یا درد کشیدن بدان معنی است که خویشتن خود را رها کرده است و دیگر جنگاور نیست و نیروهای درد و گرسنگی

او را نـ _____ ا بود خواهنـ _____ د ک _____ رد.

_____ جنگاور جز اراده و صبر ندارد و با آنهاست که آنچه را بخواهد می سازد.

– محروم کردن خودت نوعی تن به خواسته دادن و تسلیم است. این کار به ما می باوراند که داریم کارهای بزرگ می کنیم در حالی که بواقع در درون خویش دریندیم. اراده قدرت است. و از آنجا که قدرت است، باید کنترل شود و هماهنگ باشد و این کار زمانگیر است. آنچه سالک آن را اراده می نامد قدرتیست که در درون ماست. اندیشه نیست.

آیا از جنگ بین دو جنس خسته نشده اید؟

زنان و مردان با هم تفاوت دارند.

در این نکته تردیدی نیست.

ولی بجای تاکید روی کیفیت های منفی زن و مرد،

چرا روی نقاط مثبت آنان تاکید نکنیم؟

بیاییم از خانم ها شروع کنیم:

زنان مهربان، عاشق و دلسوز هستند.

زنان وقتی که خوشحال هستند گریه می کنند.

زنان برای نشان دادن توجه و علاقه همیشه کارهای کوچکی انجام می دهند.

آنان برای دستیابی به بهترین چیزها برای فرزندانشان از هیچ کاری دریغ نمی کنند

(بهترین مدرسه، بهترین پوشاک، بهترین دندانپزشک)

زنان قدرت این را دارند که حتی وقتی که بسیار خسته هستند

و نمی توانند سرپا بایستند، لبخند بزنند.

آنان می دانند که چگونه یک وعده غذای معمولی را به یک فرصت تبدیل کنند.

زنان می دانند چگونه از پول خود بهترین استفاده را ببرند.

آنان می دانند که چگونه یک دوست بیمار را تیمار کنند.

زنان شادی و خنده را به دنیا ارزانی می دارند.

آنان می دانند که چگونه ساعت های متوالی کودکان را سرگرم کنند!

زنان صادق و وفادار هستند.

زنان در زیر آن ظاهر نرم، اراده ای پولادین دارند.

آنان برای یاری رساندن به دوستی محتاج همه کار انجام می دهند.

زنان از بی عدالتی به آسانی به گریه می افتند.

آنان می دانند که چگونه به یک مرد احساس پادشاه بودن بدهند.

زنان دنیا را مکانی شاد تر برای زندگی می سازند.

حالا نوبت مردان است:

مردان برای حمل اشیاء سنگین و کشتن سوسک و عنکبوت ها خوب هستند.

آیا می دانستید که ...؟!

(۱) انسان سالانه بیش از یک میلیون مرتبه پلک می زند!

(۳) یک گالن روغن سوخته، می تواند تقریباً یک میلیون گالن آب تمیز را آلوده کند!

(۴) ناخن های انگشتان دست، تقریباً چهار برابر ناخن های پا رشد می کنند!

(۵) حرف E بیشتر از تمام حروف انگلیسی، در کلمات بکار می رود در حالیکه حرف Q کمترین کاربرد را دارد!

(۶) خوردن یک عدد سیب اول صبح، بیشتر از یک فنجان قهوه باعث دور شدن خواب آلودگی می شود!

(۷) دلفین ها هم مانند گرگ ها هنگام خواب یک چشمشان را باز می گذارند!

(۸) اسکیموها هم از یخچال استفاده می کنند، منتها برای محافظت غذا در مقابل یخ زدن!

(۱۰) سرعت آب دهانی که هنگام عطسه از دهان شما خارج میشود، حدود ۶۰ کیلومتر بر ساعت است!

(۱۲) جویدن آدامس هنگام خوردن پیاز، مانع از اشک ریزی شما می شود!

(۱۳) در تایوان بشقاب های گندمی درست می شود و افراد بعد از خوردن غذا، بشقابشان را هم می خورند!

(۱۴) یک چهارم استخوان های بدن، در پای او قرار دارد!

(۱۵) اثر لب و زبان هر کس، مانند اثر انگشت او منحصر به فرد است!

(۱۶) فاصله بین مچ دست تا آرنج برابر با طول کف پا است.

(۱۸) دهان شما روزی یک لیتر بزاق تولید میکند.

(۱۹) به طور متوسط هر انسان میتواند یک دقیقه نفس خود را حبس کند رکورد این ماده در جهان ؟.؟ دقیقه است.

(۲۴) زنان دو برابر مردان چشمک میزنند.

(۲۵) عمومی ترین نام در جهان محمد است.

(۲۶) اسم تمام قاره ها با همان حرفی که آغاز شده است پایان می یابد.

(۲۷) مقاوم ترین ماهیچه در بدن، زبان است.

(۲۸) کلمه «ماشین تحریر» (TYPEWRITER) طولانی ترین کلمه ای است که می توان با استفاده از حروف تنها یک ردیف کیبورد ساخت.

(۲۹) شما نمی توانید با حبس نفستان، خودکشی کنید.

(۳۰) محال است که آرنج تان را بلیسید.

(۳۱) وقتی که عطسه میکنید مردم به شما «عافیت باش» میگویند، چرا که وقتی عطسه می کنید قلب شما به اندازه یک میلیونیم ثانیه می ایستد.

(۳۲) خوک ها به لحاظ فیزیک بدنی، قادر به دیدن آسمان نیستند.

(۳۳) وقتی که به شدت عطسه می کنید، ممکن است یک دنده شما بشکند و اگر عطسه خود را حبس کنید، ممکن است یک رگ خونی در سر و یا گردن شما پاره شود و بمیرید.

(۳۴) جلیقه ضد گلوله، ضد آتش، برف پاک کن های شیشه جلوی اتومبیل و چاپگرهای لیزری توسط زنان اختراع شدند.

(۳۵) تنها غذایی که فاسد نمی شود، عسل است.

(۳۶) کروکودیل نمی تواند زبانش را به بیرون دراز کند.

(۳۷) حلزون می تواند سه سال بخوابد.

(۳۸) تمامی خرس های قطبی چپ دست هستند.

۳۹) در سال ۱۹۸۷ خطوط هوایی «امریکن ایرلاینز» توانست با حذف یک دانه زیتون از هر سالاد سرو شده در پروازهای درجه یک خود، چهل هزار دلار صرفه‌جویی کند.

۴۰) پروانه‌ها با پاهایشان می‌چسبند.

۴۱) فیل‌ها تنها جانورانی هستند که قادر به پریدن نیستند.

۴۲) در ۴۰۰۰ سال قبل، هیچ حیوانی اهلی نبود.

۴۳) بطور متوسط، مردم آنقدر از عنکبوتها می‌ترسند که نمی‌توانند آنها را بکشند.

۴۴) مورچه همیشه بر روی سمت راست بدن خود، سقوط می‌کند.

۴۵) قلب انسان فشاری کافی ایجاد میکند تا به فاصله ۳۰ فوتی (تقریباً ۸ متر) خون را به خارج از بدن پمپاژ کند.

۴۶) موشهای صحرایی چنان سریع تکثیر پیدا می‌کنند، که در عرض هجده ماه دو موش صحرایی قادرند یک میلیون فرزند داشته باشند.

۴۷) صندلی الکتریکی توسط یک دندانپزشک اختراع شد.

۴۸) استفاده از هدفون در هر ساعت، باکتری‌های موجود در گوش شما را تا هفتصد برابر افزایش می‌دهد.

۴۹) فندک قبل از کبریت اختراع شد.

۵۰) نظیر اثرانگشت، اثر زبان هر شخص نیز متفاوت است.

۵۱) به طور متوسط روزانه، ۱۲ نوزاد به خانواده‌ها اشتباه داده می‌شوند.

۵۲) به زیپ نگاه کن، میبینی که روش نوشته «YKK» این نمایان‌گر شرکت «یوشیدا کوگیو کابوشی بیبایشا» است، بزرگ‌ترین تولید کننده زیپ در جهان!

۵۳) هیچکس نمی‌داند چرا صدای اردک‌ها اکو نمی‌شود!

۵۴) چهل درصد سود مک‌دونالد از فروش هپی‌میل‌ها (یک وعده غذایی کامل در جعبه است، که اگر یک بار FastFood رفته باشید، میدونید چیه!) بدست می‌آید.

۵۵) لئوناردو داوینچی می‌توانسته با یک دستش بنویسد و با دست دیگرش نقاشی کند!

۵۶) به دلیل اینکه فلز کمیاب بود، اسکارهایی که در طی جنگ جهانی دوم داده شد، از چوب ساخته شده بود.

۵۷) بروس لی خیلی سریع بود، به طوری که باید فیلم را واقعا آهسته می کردند تا بتوانی حرکاتش را ببینی!

۵۸) سس کچاپ در سال ۱۸۳۰ به عنوان یک دارو به فروش می رفته است.

۵۹) لئوناردو داوینچی مخترع قیچی بود، همچنین ۱۰ سال طول کشید تا لب های مونالیزا را نقاشی کند.

۶۰) وقتی پاهایت را آرام بالا بیاوری و به پشت بخوابی، در ماسه فرو نمی روی.

۶۱) پشه کش ها پشه را نابود نمی کنند، بلکه تو را مخفی می کنند! آن ها حس پشه ها را از کار می اندازند، بنابراین پشه ها نمی توانند

بفهمند که تو کجایی!

۶۲) دندانپزشک ها توصیه می کنند که زمان مسواک زدن، تا ۶ قدم از توالت دور شوید تا از ورود ذرات معلق که بوسیله هوا

منتقل می شوند، در هنگام شستشوی دهان، جلوگیری شود.

۶۳) صاحب اصلی کارخانه Marlboro از سرطان ریه مرد.

۶۴) پولی که مایکل جردن سالیانه از کارخانه نایک بدست می آورد، از کل حقوق همه کارکنان این کارخانه در مالزی، بیشتر

است!

۶۵) Stewardesses طولانی ترین کلمه ایست که می توانید با دست چپ تایپش کنید.

۶۶) اکثر افراد در کمتر از ۷ دقیقه خوابشان می برد!

۶۷) ۵۶٪ افرادی که دست چپ هستند، تایپ هستند.

۶۸) غیر ممکن است که بتوانی با چشمان باز، عطسه کنی!

۶۹) به طور میانگین مردم از عنکبوت بیشتر می ترسند تا از مرگ!

۷۰) ما در طول زندگی مان، ۱۸ کیلو پوست می اندازیم.

۷۱) رنگ مورد علاقه ۸۰٪ از آمریکایی ها، آبی می باشد!!

۷۲) اگر می خواهی از آرواره یک تمساح جان سالم به در ببری، انگشت هایت را در چشمانش فرو کن. فوراً به شما اجازه می دهد

که فرار کنی!

۷۳) وقتی شخصی در سریلانکا سرش را از طرفی به طرف دیگر تکان می دهد، یعنی «باشه»!

۷۴) در این دنیا تعداد جوجه ها از آدم ها بیشتر است.

- (۷۵) یکی از شگفتی‌های ریاضی این است که وقتی عدد ۱۱۱۱۱۱۱۱ را در خودش ضرب کنی، جواب خواهد شد:
- ۱۲۳۴۵۶۷۸۹۸۷۶۵۴۳۲۱
- (۷۶) دکمه # (فون) که روی کیبرد می‌باشد، «اُکُتُسرپ» خوانده می‌شود.
- (۷۷) «گربه» تنها حیوان خانگی هست که در کتاب مقدس به آن اشاره‌ای نشده است.
- (۷۸) نوارهای لاستیکی خیلی طول می‌کشد تا سرد شوند.
- (۷۹) «Dreamt» تنها کلمه‌ایست که در زبان انگلیسی با mt تمام می‌شود!!
- (۸۰) «یویو» اولین بار به عنوان یک سلاح در فیلیپین استفاده می‌شد!
- (۸۱) شهر مکزیک هر سال ۲۵,۵ سانتیمتر، نشست می‌کند.
- (۸۲) مغز در هنگام خواب فعالیت از وقتی است که تلویزیون می‌بینید.
- (۸۳) ناخن انگشت وسط زودتر از ناخن انگشت شصت، رشد می‌کند.
- (۸۴) تنها لغتی که در انگلیسی با تمام اصوات، پشت سر هم ادا می‌شود «subcontinental» می‌باشد.
- (۸۵) در واشنگتن بیشتر از مردمانش، تلفن وجود دارد.
- (۸۶) یک سوسک حمام می‌تواند ۹ روز بدون سر زندگی کند تا اینکه از گرسنگی بمیرد.
- (۸۷) اگر جمعیت چین به شکل یک صف از مقابل شما راه بروند، این صف به خاطر سرعت تولید مثل هیچ‌وقت تمام نخواهد شد.
- (۸۸) ملت آمریکا بطور میانگین روزانه ۷۳۰۰۰ متر مربع پیتزا می‌خورند.
- (۸۹) چشم‌های شترمرغ از مغزش بزرگتر است.
- (۹۰) بچه‌ها بدون کشک زانو متولد میشوند. کشک‌ها در سن ۲ تا ۶ سالگی ظاهر می‌شوند.
- (۹۱) کوبیدن سر به دیوار ۱۵۰ کالری در ساعت مصرف می‌کند.
- (۹۲) گربه‌ها می‌توانند بیش از یکصد صدا با حنجره خود تولید کنند در حالیکه سگ‌ها کمتر از ۱۰ تا!
- (۹۳) ادرار گربه زیر نور سیاه می‌درخشد.
- (۹۴) تعداد چینی‌هایی که انگلیسی بلدند، از تعداد آمریکایی‌هایی که انگلیسی بلدند، بیشتر است!!
- (۹۵) دوئل کردن در پاراگوئه آزاد است به شرطی که طرفین خون خود را بر گردن بگیرند.

۹۶) هر بار که یک تمبر را میلیسید ۱/۱۰ کالری انرژی مصرف می‌کنید.

۹۷) فوریه ۱۸۶۵ تنها زمانی بود که ماه کامل نشد.

۹۸) کوتاهترین جمله کامل در زبان انگلیسی I am است.

۹۹) اگر عروسک باربی را زنده تصور کنید سایش ۳۳-۲۳-۳۹ و قدش ۲ متر و ۱۵ سانتی‌متر خواهد بود با گردنی ۲ برابر بلندتر از یک انسان نرمال.

۱۰۰) اگر یک ماهی قرمز را در یک اتاق تاریک قرار دهید، کم‌کم رنگش سفید می‌شود.

۱۰۱) اگر به صورت مداوم ۸ سال و ۷ ماه و ۶ روز فریاد بزنید، انرژی صوتی لازم برای گرم کردن یک فنجان قهوه را تولید کرده‌اید.

۱۰۲) در مصر باستان افراد روحانی تمام موهای بدن خود را می‌کنند حتی ابروها و موژه‌ها.

۱۰۳) کوتاه‌ترین جنگ در تاریخ در سال ۱۸۹۶ بین زانزیبار و انگلستان رخ داد که ۳۸ دقیقه طول کشید.

۱۰۴) در ۴۰۰۰ سال گذشته هیچ حیوان جدیدی رام نشده است.

۱۰۵) تعداد انسان‌هایی که به وسیله خر کشته می‌شوند، از انسان‌هایی که در سانحه هوایی می‌میرند بیشتر است.

۱۰۶) چشم‌های ما از بدو تولد همین اندازه بوده‌اند، اما رشد دماغ و گوش ما هیچ‌وقت متوقف نمی‌شوند.

۱۰۷) دارچین بسیار کشنده است اگر به صورت وریدی به انسان تزریق شود.

۱۰۸) فقط یک نفر از یک میلیارد نفر بیش از ۱۱۶ سال عمر می‌کند.

۱۰۹) زبان قویترین ماهیچه در بدن است.

۱۱۰) روز تولد شما حداقل با ۹ میلیون نفر دیگر یکی است.

۱۱۱) ستاره دریایی مغز ندارد.

۱۱۲) زنان تقریباً ۲ برابر مردان چشمک می‌زنند.

۱۱۳) انسان‌های راست دست به طور میانگین ۹ سال بیش از چپ دست‌ها عمر می‌کنند.

۱۱۴) هیچ کلمه‌ای در زبان انگلیسی با کلمه month هم قافیه نمی‌شود.

۱۱۵) مورچه‌ها بعد از مرگ در اثر سم پاشی به پهلوی راست می‌افتند.

(۱۱۶) هر انسانی در طول زندگی‌اش به طور میانگین ۸ عنکبوت را در حال خواب می‌خورد.

(۱۱۷) گربه ماهی بیش از ۲۷۰۰۰ عضو چشایی دارد.

(۱۱۸) کشتی ملکه الیزابت دوم بابت هر گالون سوختی که می‌سوزاند فقط ۱,۵ متر حرکت می‌کند.

(۱۱۹) هر آمریکایی به طور میانگین ۲ کارت اعتباری دارد.

آینده کودک خود را حدس زنید!

چگونه می‌توانیم شخصیت و آینده بچه‌های خود را پیش‌بینی کنیم!

۱. اگر کودک خود را در دوران نوزادی زیاد حرکت دهید یا آن را دائماً بالا و پایین بیندازید و یا زیاد در گهواره تکان دهید کودک

شما در آینده ورزشکار یا خلبان یا راننده و کلاً به کارهای هیجانی و پر حادثه روی خواهد آورد

۲. اگر کودک شما پستانک یا شیشه شیر را زیاد نگه دارد و آن را به زور از دستش در آورید در آینده داری شخصیتی خسیس

و مال جمع کن و به شغل جاسوسی با دلالی یا خبر نگاری روی می‌آورد

۳. اگر کودک شما زیاد گاز می‌گیرد این را بدانید که در آینده دارای شخصیتی خشن و جنگجو شده و به شغل‌های چون قصابی و

(پول واده.. پول چی؟!.....!!!!!!)

۴. اگر کودک شما آب دهن خود را بیرون می‌ریزد در آینده به شغل مددکاری روی خواهد آورد

۵. اگر کودک زیاد پستانک را بمکد در آینده در نوشیدن و خوردن و... خلاصه در هر چیز زیاد افراط می‌کند

۶. اگر کودک زیاد دهان خود را ببندد در بزرگی گوشه‌گیر و محتاط می‌شود.

۷. اگر کودک شما هر شیئی که در دستش می‌افتد زیاد نگه می‌دارد و حاضر نمی‌شود آن را رها کند در بزرگی فردی میشود

که قدرت تصمیم‌گیری برای خرید یا فروش وسایل خانه خود را ندارد.

۸. مادران هم بیاد داشته باشند که کودک خود را برای دفع مدفوع تنبیه نکنند چون در آینده فردی خالی‌بند و ولخرج و بی‌قید و

بند می‌شوند

۹. حالا اگر می‌خواهید کودک خود را دانشمند کنید از کودک خود برای دفع ادرار خواهش کنید و بعد از دفع مدفوع به او جایزه

بدهید در این صورت کودک فکر کرده که مدفوعش دارای ارزش است و در آینده برای راضی کردن مردم دست به اختراع یا

فردی بخشنده خواهد شد البته یادتان باشد اگر زیاد هم اسرار کنید کودک فکر کرده با دفع ادرارش چیزی گرانها را از دست می دهد و ممکن است در آینده خسیس شود.

دوست داری با کلاس بشی ؟

اگر شما ذاتاً "انسان با کلاسی هستید که هیچ !!! در غیر این صورت باید از هر فرصتی برای نشان دادن این موضوع استفاده کنید . شاید باورتان نشود ولی شما می توانید از جراحات خود نیز برای کلاس گذاشتن استفاده کنید فقط کافیست جواب های زیر را با اندکی قیافه موجه بیان کنید:

اگر شصت پای شما زیر اجاق گاز گیر کرده و شما ان را باند پیچی کرده اید هر گاه علت آن را از شما جویا شدند باید جواب دهید : "موقع تکان دادن پیانوی بابام پام مونده زیرش"

اگر صورت شما بر اثر جوشکاری زیر آفتاب سوخته باید بگویید : "از اسکی آخر هفته نمی توانم بگذرم"

اگر به خاطر تک چرخ زدن با موتور براوو جلوی مدرسه دخترانه به زمین خورده اید در جواب باید بگویید : "با موتور هزار دادم تو جاده چالوس تصادف کردیم"

اگر انگشت دست شما به ماهیتابه پیاز داغ چسبیده علت آن را چنین بیان کنید : "دیشب با قهوه جوش اینجوری شد"

اگر بر اثر ضربه ی چکش ناخن شما شکسته باید بگویید : "به سیم گیتارم گیر کرده"

اگر بر اثر زد و خورد در صف روغن کوپنی زیر چشم شما کبود شده جوابتان این باشد : "چند روز پیش توپ تنیس به صورتم خورد"

اگر صورت شما بر اثر خوردن خرمای خیرات و چای و شیرینی مملو از جوش شده علتش را چنین وانمود کنید: "که خواهرتان از هلند شکلات زیادی آورده است"

اگر مینی بوس شما در جاده خاکی چپ کرد و حسابی مجروح شدید بسیار عصبانی بگویید : "الکی می گویند زانتیا ایربگ داره"

اگر کف دست شما به قوری سماور چسبید بگویید: "حواسم نبود میله ی شومینه زیادی داغ شد"

اگر موها و ابروهای شما در چهار شنبه سوری سوخت جواب دهید: "بچه همسایه را از میان شعله های آتش بیرون کشیدم!

بینم شما اینقدر بیکلاس بودی که همه اینو خوندی ؟

طرز تهیه پیژامه

پارچه می‌خریم (تترون راه راه)، به خانه می‌بریم.

پیژامه قبلی را که مادر تان دوخته روی پارچه گذاشته آنرا می‌برید. به خاطر داشته باشید که پارچه را دو لایه کرده باشید. قبل از

اینکه قسمت کشدار را ببری، سه چار انگشت جا بذار، چون بعد باید خم شود تا کش رد شود. این را برای همه لبه‌ها بکن.

پیژامه قبلی را برداشته در کمد قرار بدهید تا مادر آشفته نشود. نخ سوزن آورده پارچه را کوک بزنید. (کوک زدن یعنی رد کردن

موقت نخ از لای پارچه) از لای در سرک بکشید تا مادر بزرگتان از راه سر نرسد (چرخ خیاطی مال مادر بزرگ است).

بعد از دوختن، نوبت کش اندازی است. کش را می‌اندازیم، به این صورت که سنجاق قفلی را به سر آن گره زده، کشان کشان از

سوراخ کمر پیژامه عبور بدهید. یادتان باشد سنجاق قفلی را پس از خاتمه کار به چارقند مادر بزرگ ارجاع دهیم.

نکات مهم

۱- برای جلوگیری از عدم سایش سرزانوها، از چهار دست و پا رفتن بپرهیزید.

۲- در صورت پاره شدن کش، پیژامه سقوط خواهد کرد.

۳- حضور در اماکن عمومی با پیژامه خلاف شئونات اجتماعی است.

۴- پیژامه نیز مانند مسواک و عینک، از لوازم شخصی شماست، از تعارف آن بپرهیزید.

۵- قبل از اینکه پیژامه قبلی را روی پارچه بگذارید، کش آنرا خارج کنید تا کمرش تنگ نشود.

آیا میدانید؟

میدانید چرا ناپلئون همیشه از کمر بند قرمز استفاده می‌کرده و این که حکمت کمر بند ناپلئون چیست، این سوال برای خیلیها

پیش آمده و جواب آن فقط یک جمله است: از کمر بند قرمز استفاده می‌کرده تا از افتادن شلوارش جلوگیری کند

چرا روی آدرس اینترنت به جای یک دیلیو، سه تا دیلیو می‌گذارند؟ چون کار از محکم کاری عیب نمی‌کنه

آخرین دندان که در دهان دیده می‌شود چه نام دارد؟ دندان مصنوعی

چطور می‌شود چهار نفر زیر یک چتر به ایستند و خیس نشوند؟ وقتی هوا آفتابی باشد این کار را انجام دهند

اگر سر پرگار گیج برود چه می‌کشد؟ بیضی

چرا لک‌لک موقع خواب یک پایش را بالا می‌گیرد؟ چون اگر هر دو را بگیرد، می‌افتد

چرا دود از دودکش بالا می‌رود؟ چون ظاهراً چاره دیگری ندارد

شباهت نون سوخته با آدم غرق شده چیه؟ هر دو تاشونو دیر کشیدن بیرون

فرق باطری با مرد چیست؟ باطری اقلاً یک قطب مثبت داره ولی مرد هیچ چیز مثبتی نداره

اختراعی که برای جبران اشتباهات بشر درست شده چیست؟ طلاق

چه طوری زیر دریایی بعضیها رو غرق می‌کنن؟ یه غواص میره در می‌زنه

ناف یعنی چه؟ ناف نمره صفری است که طبیعت به شکم بی‌هنر داده است

خط وسط قرص برای چیه؟ برای اینکه اگه با آب نرفت پایین با پیچ‌گوشتی بره

اگه یه نقطه آبی روی دیوار دیدید که حرکت می‌کند چیست؟ مورچه‌ای است که شلوارلی پوشیده

بعضیها را چگونه برای همیشه می‌شود سر کار گذاشت؟ در دو روی یک کاغذ می‌نویسم: «لطفاً بچرخانید

چرا بعضیها همیشه ۱۸ تایی به سینما می‌روند؟ برای اینکه برای زیر ۱۸ ممنوع بود

چرا بعضیها با دو دستشان دست می‌دهند؟ چون فرق دست راست و چپشونو بلد نیستند

چرا فیل از «سوراخ سوزن» رد نمی‌شه؟ برای اینکه ته دمش «گره» داره

بهانه های پسرها واسه رد کردن دخترها

تو برای من مثل خواهر می‌مونی! یعنی: خیلی زشتی!!!

فاصله سنیمون کمی زیاده! یعنی خیلی زشتی!!!

من به تو علاقه به اونصورت ندارم! یعنی خیلی زشتی!!!

من الان تو موقعیت بدی از زندگیم هستم! یعنی: خیلی زشتی!!!

من دوست دختر دارم! یعنی: خیلی زشتی!!!

تقصیر تو نیست، تقصیر منه! یعنی: خیلی زشتی!!!

من الان توجهم به کارمه ! یعنی خیلی زشتی !!!

من تصمیم گرفتم مجرد بمونم ! یعنی خیلی زشتی !!!

بهتره فقط با هم دوست معمولی باشیم ! یعنی بطور وحشتناکی زشتی !!!!!!!!!!!!!!!

من که میدونم منظورش چی بود

شنبه:همون لحظه که وارد دانشکده شدم متوجه نگاه سنگینش شدم. هرکجا می رفتم اونو می دیدم. یکبار که از جلوی هم درآومدیم نزدیک بود به هم بخوریم صداشو نازک کردو گفت: ببخشید

من که میدونم منظورش چی بود. تازه ساعت ۹/۵ هم که داشتم بوردرو میخوندم اومد پشت سرم شروع به خوندن بوردر کرد.آره دقیقا می دونم منظورش چیه. اون میخواد زن من بشه

بچه ها میگفتن اسمش مریمه. از خدا پنهون نیست از شما چه پنهون تصمیم گرفتم باهاش ازدواج کنم

یکشنبه:امروز ساعت ۹ به دانشکده رفتم. موقع رفتن تو سرویس یه خانومی پشت سرم نشسته بود و با رفیقش می گفتن ومی خندیدن. تازه به من گفت ببخشید آقا میشه شیشه پنجرتونو ببندین. من که میدونم منظورش چی بود. اسمش رو میدونستم اسمش نرگسه

مثل روز معلوم بود که با این خنده هاش میخواد دل منو نرم کنه که بگیرمش. راستیش منم از اون بدم نیما. از خدا پنهون نیست از شما چه پنهون تصمیم گرفتم با نرگس هم ازدواج کنم

دوشنبه:امروز به محض اینکه وارد دانشکده شدم سر کلاس رفتم. بعد از کلاس مینا یکی از همکلاسیهام جزوه منو ازم خواست.من که میدونم منظورش چی بود.حتما مینا هم علاقه داره با من ازدواج کنه. راستیش منم ازش بدم نمی آد. از خدا پنهون نیست از شما چه پنهون تصمیم گرفتم با مینا هم ازدواج کنم

سه شنبه:امروز اصلا روز خوبی نبود. نه از مریم خبری بود نه از نرگس نه از مینا. فقط یکی ازم پرسید آقا ببخشید امور دانشجویی کجاست؟ من که میدونستم منظورش چی بود. ولی تصمیم نگرفتم باهاش ازدواج کنم چون کیفش آبی بود احتمالا

استقلالیه

وقتی جریان رو به دوستم گفتم به من گفت: ای بابا! بدبخت منظوری نداشته. ولی من میدونم رفیقم به ارتباط بالای من با دخترا حسودیش میشه حالا به کوری چشم دوستم هم که شده مجبور شده با این یکی هم ازدواج میکنم

چهارشنبه:امروز وقتی داشتم وارد سلف می شدم یک مرتبه متوجه شدم که از دانشگاه آزاد ساوه به دانشگاه ما اردو اومدند. یکی از دخترای اردو از من پرسید ببخشید آقا! دانشکده پرستاری کجاست؟ من که می دونستم منظورش چیه. اما تو کار درستی خودم موندم که چطوراین دختر ساوجی هم منو شناخته و به من علاقه پیدا کرده. حیف اسمش رو نفهمیدم. راستیتش از خدا پنهون نیست از شما چه پنهون تصمیم گرفتم هرطور شده پیداش کنم و باهاش ازدواج کنم. طفلکی گناه داره از عشق من پیر میشه

پنج شنبه:یکی از دوستای هم دانشکده ایم به نام احمد منو به تریا دعوت کرد. من که میدونستم منظورش از این نوشابه خریدن چیه. میخواد که من بی خیال مینا بشم. راستیتش از خدا پنهون نیست از شما چه پنهون عمرا قبول کنم

جمعه:امروز صبح در خواب شیرینی بودم که داشتم خواب عروسی بزرگ خودم رو می دیدم. عجب شکوه و عظمتی بود داشتم انگشتم رو توی کاسه عسل فرو میکردم که... مادرم یکهو از خواب بیدارم کرد و گفت که برم چند تا نون بگیرم. وقتی تو صف نانوایی بودم دختر خانومی ازمن پرسید ببخشید آقا صف پنج تایی ها کدومه؟

من که میدونم منظورش چی بود اما عمرا اگه باهاش ازدواج کنم

راستش از خدا پنهون نیست از شما چه پنهون من از دختری که به نانوایی بیاد زیاد خوشم نمی آد

شنبه:امروز صبح زود از خواب بیدار شدم صبحانه را خوردم واومدم که راه بیفتم که مادرم گفت: نمی خواد بری دانشگاه. امروز نوار مغزت آماده است برو از بیمارستان بگیر. راستیتش از خدا پنهون نیست از شما چه پنهون مردم میگن من مشکل روانی دارم وقتی به بیمارستان رسیدم از خانوم مسئول آزمایشگاه جواب نوار مغزم رو خواستم. به من گفت آقا لطفا چند دقیقه صبر کنید. من که میدونستم منظورش چی بود

اکتشافات و اختراعات تاریخی:

مرد کلمه را کشف کرد و مکالمه اختراع شد.....!

زن مکالمه را کشف کرد و شایعه اختراع کرد...!

مرد قمار را کشف کرد و کارت های بازی اختراع شد...!

زن کارت های بازی را کشف کرد و جادوگری اختراع کرد...!

مرد کشاورزی را کشف کرد و غذا اختراع شد...!

زن غذا را کشف کرد و رژیم غذایی اختراع کرد...!

مرد دوستی را کشف کرد و عشق اختراع شد...!

زن عشق را کشف کرد و ازدواج را اختراع کرد...!

مرد تجارت را کشف کرد و پول اختراع شد...!

زن پول را کشف کرد و خرید کردن را اختراع کرد...!

از آن به بعد مرد چیزهای بسیاری را کشف و اختراع کرد...!

ولی زن همچنان مشغول خرید بود...!

مردی که به خاطر پول زن میگیرد به نوکری می رود (ضرب المثل فرانسوی)

زنی سعادتمند است که مطیع شوهر باشد (ضرب المثل یونانی)

داماد که نشدی از یک شب شادمانی و عمری بد اخلاقی محروم گشته ای (ضرب المثل لهستانی)

برای یافتن یک زن مناسب می ارزد که یک کفش بیشتر پاره کنی (ضرب المثل چینی)

تاک را از خاک خوب و دختر خوب را از یک مادر خوب و اصیل انتخاب کن (ضرب المثل چینی)

اگر زنی خواست که به خاطر پولت با تو ازدواج کند با او ازدواج کن و پولت را از دست او دور نگهدار (ضرب المثل ترکیه ای)

اگر کسی در انتخاب همسرش دقت نکند دو نفر را بد بخت کرده است (محمد حجازی)

ازدواج کنید به هر وسیله ای که می توانید زیرا اگر زن خوبی گیرتان بیاید بسیار خوشبخت خواهید شد و اگر گرفتار یک همسر

بد شدید فیلسوف بزرگی خواهید شد (سقراط)

من تنها با مردی ازدواج می کنم که عتیقه شناس باشد تا هر چه پیر تر شدم عزیزتر شوم (آگاتا کریستی)

ازدواج مجموعه ای از مزه هاست که هم تلخی و هم شوری دارد و هم تندی و ترشی و شیرینی و بی مزگی. (ولتر)

با قرض اگر داماد شدی با خنده خداحافظی کن (ضرب المثل آلمانی)

سیر تکامل آقا پسرها

سن ۱۴ سالگی : تازه توی این سن، هر رو از بر تشخیص میدن . اول بدبختی

سن ۱۵ سالگی : یاد می گیرن که توی خیابون به مردم نگاه کنن ... از قیافه خودشون بدشون می یاد

سن ۱۶ سالگی : توی این سن اصولا راه نمیرن، تکنو می زنن ... حرف هم نمی زنن ، داد می زنن ... با راکت تنیس هم گیتار

می زنن

سن ۱۷ سالگی : یه کمی مثلا آدم میشن ... فقط شعرهاشون و بلند بلند می خونن ... یادش به خیر اون روزها که تکنو نبود راک

ن رول می خوندن

سن ۱۸ سالگی : هر کی رو می بینن تا پس فردا عاشقش میشن ... آخ آخ ... آهنگ های داریوش مثل چسب دو قلو بهشون می

چسبه

سن ۱۹ سالگی : دوست دارن ده تا رو در آن واحد داشته باشن ... تیز میشن ... ابی گوش میدن

سن ۲۰ سالگی : از همه شون رو دست می خورن ...ستار گوش میدن که نفهمن چی شده

سن ۲۱ سالگی : زندگی رو چیزی غیر از این بچه بازیها می بینن ... مثلا عاقل می شن

سن ۲۲ سالگی : نه می فهمن که زندگی همش عشقه ... دنبال یه آدم حسابی می گردن

سن ۲۳ سالگی : یکی رو پیدا میکنن اما مرموز میشن ... دیدشون عوض می شه

سن ۲۴ سالگی : نه... اون با یه نفر دیگه هم دوسته ...اصلا لیاقت عشق منو نداشت

سن ۲۵ سالگی : عشق سیخی چند؟ ... طرف باید باباش پولدار باشه... حالا خوشگل هم باشه بد نیست

سن ۲۶ سالگی : این یکی دیگه همونیه که همهء عمر می خواستم ... افتخار میدین غلامتون باشم ؟

سن ۲۷ سالگی : آخیش

سن ۲۸ سالگی : کاش قلم پام می شکست و خواستگاری تو نمیومدم

سیر تکامل دختر خانمها

سن ۱۴ سالگی : تا پارسال هر کی بهشون می گفت چطوری؟ میگفتن ... خوبم مرسی ... حالا میگن مرسی خوبم

سن ۱۵ سالگی : هر کی بهشون بگه سلام ... میگن علیک سلام ... نقاشیشون بهتر میشه « بتونه کاری و رنگ آمیزی

سن ۱۶ سالگی : یعنی یه عاشق واقعیند ... فردا صبح هم میخوان خودکشی کنن ... شوخی هم ندارن

سن ۱۷ سالگی : نشستن و اشک می ریزن ... بهشون بی وفایی شده ... کوران حوادث

سن ۱۸ سالگی : دیگه اصلا عشق بی عشق ... توی خیابون جلوی پاشون رو هم نگاه نمی کنن

سن ۱۹ سالگی : از بی توجهی یه نفر رنج می برن ... فکر می کنن اون یه آدم به تمام معناست

سن ۲۰ سالگی : نه , نه ... اون منو نمی خواست آخرش منو یه کور و کچلی می گیره ... می دونم

سن ۲۱ سالگی : فقط سن ۲۷-۲۸ سالگی قصد ازدواج دارن ، فقط

سن ۲۲ سالگی : خوش تیپ باشه ، پولدار باشه ، تحصیلکرده باشه ، قد بلند باشه ، خوش لباس باشه ... آخ که چی نباشه

سن ۲۳ سالگی : همهء خواستگارا رو رد می کنن

سن ۲۴ سالگی : زیاد مهم نیست که چه ریختییه یا چقدر پول داره ، فقط شجاع باشه ، ما رو به اون چیزی که نرسیدیم برسونه

سن ۲۵ سالگی : اااااااااا ، پس چرا دیگه هیچکی نمی یاد... هر کی میخواد باشه ، باشه

سن ۲۶ سالگی : یه نفر می یاد ، همین خوبه ، بله

سن ۲۷ سالگی : آخیش

سن ۲۸ سالگی هکاش قلم پات می شکست و خواستگاری من نمیومدی